

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال هشتم، شماره ۹/۲۲۸ مهر ۱۴۰۳ / ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴

حق اعتصاب



در این شماره می‌خوانید:

حق اعتصاب و سندیکاهای مستقل در ایران؛ از تعهدات بین‌المللی تا

سرکوب‌های حکومتی

مبارزات کارگری در ایران نویدبخش دموکراسی و عدالت اجتماعی است

چشم‌انداز مبارزات کارگری در ایران؛ بادها خبر از تغییر فصل می‌دهند

حکومت و کارفرمایان با فشار میدانی و ادار به مذاکره خواهند شد

اعتصاب پرستاران نشان از ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی دارد

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: بهنام دارابی‌زاده، آفاق ربیعی‌زاده و جواد عباسی توللی

صفحه‌بندی: مهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

حق اعتصاب و سندیکاهای مستقل در ایران؛ از تعهدات بین‌المللی تا سرکوب‌های حکومتی



بهنام دارایی‌زاده

در دولت یا نهادهای اداری و تصمیم‌گیری، این حقوق و آزادی‌ها را نقض کرده و از فشار بر نیروی کار و فعالان صنفی، برای سرکوب جامعه مدنی، تداوم چپاول اقتصادی، رانت‌خواری، حفظ قدرت سیاسی و تقویت الیگارش‌ی فاسد نظامی استفاده کرده است.

حق اعتصاب و تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری از جمله حقوق اساسی نیروی کار است. حقوق و آزادی‌هایی که در هر کشور و هر جغرافیایی، محصول مستقیم دهه‌ها مبارزات سیاسی و پیگیری فعالان کارگری است. تردیدی نیست که برخورداری از این حقوق و آزادی‌ها، تنها راه کار کارآمد و مطمئن به منظور پیشبرد خواست‌ها و مطالبات نیروی کار، برای دستیابی به «امنیت شغلی»، «بهبود شرایط کاری» و «مبارزه با بی‌عدالتی و نابرابری‌های ساختاری» است.

۱- چارچوب حقوقی جمهوری اسلامی در باره حق اعتصاب و تشکیل سندیکا

واقعیت این است که نظام جمهوری اسلامی با وجود تمامی شعارها و تبلیغات سیاسی، به‌ویژه در دهه‌ی اول قدرت‌گیری‌اش، هیچ‌گاه از نیروی کار و کارگران ایران، حتی روی کاغذ یا به‌موجب قانون، حمایت نکرده است.

کنوانسیون حقوق مدنی-سیاسی سازمان ملل نیز «حق اعتصاب» و «سازمان‌یابی‌های مستقل» را به رسمیت شناخته و دولت‌های عضو، از جمله دولت ایران، را ملزم به تامین این حقوق و آزادی‌های جمعی کرده است.

با این حال، رژیم جمهوری اسلامی در طول بیش از چهار دهه گذشته، فارغ از هرگونه تغییر ظاهری

محدودیت‌های جدی و پرشماری همراه بود. اسلامی در محیط‌های کاری عمل می‌کنند در باره‌ی حق تشکل یا سازمان‌بایی‌های مستقل کارگران نیز رژیم جمهوری اسلامی، نه تنها هیچ نهاد‌های امنیتی و در نهایت جلوگیری از هرگونه وقت سیاست حمایتی مشخصی نداشته؛ بلکه سازمان‌بایی، ابتکار و فعالیت مستقل کارگران برعکس، با تهدید، بازداشت، محاکمه و زندان، فعالان صنفی مستقل را سرکوب و خاموش کرده است.

۳- عدم عضویت در کنوانسیون‌ها و

حتی در اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی که به‌طور مشروط «حق تشکل انجمن‌های صنفی» به رسمیت شناخته، این به اصطلاح «پذیرش مشروط»، هیچ شباهتی به مفهوم «آزادی اتحادیه‌ها و سندیکاهای مستقل کارگری» ندارد و در عمل تنها ابزاری برای نظارت و محدود کردن فعالیت‌های صنفی مستقل است.

مقاله‌نامه شماره ۸۷ سازمان بین‌المللی کار،

۲- موازی‌سازی و تشکیل نهادهای صوری و حکومتی

«قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار» (مصوب ۱۳۶۳)، این نهاد حکومتی وابسته را به‌عنوان واسطه‌ای برای «هماهنگی» میان نمایندگان کارگران و کارفرمایان، با هدف تحقق «قسط اسلامی» در جامعه معرفی می‌کند. اما این توصیف، چیزی جز یک تصویر مبهم، خیالی و ایدئولوژیک نیست.

در واقعیت، «شوراهای اسلامی کار» و سایر نهاد‌های مشابه حکومتی، نظیر «خانه کارگر»، به‌مثابه بازوهای نظارتی و سرکوب‌گر جمهوری

جمع‌بندی

اعتراض‌های کارگری را سرکوب کرده است. در طول سال‌های گذشته، ده‌ها اعتصاب یا تجمع کارگری، بی‌درنگ «تهدیدی علیه امنیت ملی» قلمداد شده است و فعالان کارگری با اتهام‌هایی چون «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی علیه جمهوری اسلامی»، احضار، محاکمه و در دادگاه‌های

انقلاب محکوم شده‌اند. با توجه به ترکیب تیم اقتصادی دولت جدید و

بسیاری از فعالان صنفی و کارگری، از جمله رضا شهبایی، اسماعیل بخشی، علی نجاتی، جعفر عظیم‌زاده، داوود رضوی و سپیده قلیان، تنها به دلیل فعالیت‌هایشان در زمینه‌ی دفاع از حقوق و مطالبات کارگری، به زندان‌های طولانی محکوم شده‌اند.

۵- اعتصابات «غیرقانونی»

در فقدان یک چارچوب قانونی مشخص برای حق اعتصاب، سازماندهی یا اعتراض‌های صنفی، هرگونه اقدام کارگری در ایران، تحت

حاکمیت جمهوری اسلامی، می‌تواند به‌راحتی «غیرقانونی»، «تبلیغ علیه نظام» یا «اقدامی علیه امنیت کشور» تلقی شود. این وضعیت به‌ویژه در بخش انرژی، زیرساخت‌های اصلی یا صناعی مانند نفت، پتروشیمی و حمل‌ونقل مشهود است و همواره با واکنش‌های شدید نیروهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی مواجه شده است.

اجرای سیاست‌های نئولیبرالی، با تمرکز بر کاهش خدمات عمومی و واگذاری امتیازات گسترده به بخش «خصولتی» اقتصاد جمهوری اسلامی، به تشدید رانت‌خواری، افزایش نابرابری‌ها و فشارهای مضاعف بر نیروی کار و حقوق‌بگیران ثابت منجر شده است.

با توجه به ترکیب تیم اقتصادی دولت جدید و موضع‌گیری‌های صریح خود مسعود پزشکیان، به‌عنوان رئیس دولت چهاردهم، به‌نظر می‌رسد دولت او هم همان سیاست‌های تکراری و مخرب را، هرچند با اهداف کوتاه‌مدت‌تر و مقطعی، قرار است ادامه دهد.

این رویکردها نه تنها به کاهش امنیت شغلی، کاهش دستمزدها و به حاشیه رفتن بیشتر طبقات متوسط و فرودست جامعه منجر خواهد شد، بلکه با سرکوب بیشتر نهادهای مدنی، زمینه را برای رشد و قدرت‌گیری نیروهای پوپولیست و راست افراطی فراهم خواهد کرد.

در چنین شرایطی، اگر نیروهای پیشرو، سکولار و متعهد به یک ساختار دموکراتیک و غیرمتمرکز، در نهایت نتوانند به یک همگرایی معنادار برسند؛ واقعیت این است که آینده به‌مراتب تیره‌تری، با یک محیط‌زیست ویران‌شده، در انتظار جامعه ایران است.



جواد عباسی توللی

همواره به عنوان مطالبات اصلی جنبش کارگری در ایران مطرح بوده است.

اعتصاب‌های فراگیر پرستاران یکی از دهه‌ها نمونه از اعتصاب‌های صنفی در ایران است که با وجود سرکوب‌ها، همچنان در شهرهای مختلف کشور ادامه دارد.

مجله حقوق ما برای بررسی اعتصاب‌های صنفی و کارگری، دستاوردهای جنبش کارگری ایران در چهار دهه اخیر و چشم اندازی پیش روی این جنبش با جعفر عظیم زاده، فعال کارگری و دبیر هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران گفت‌وگو کرده است.

تجمعات اعتراضی پرستاران در ماه‌های اخیر به‌طور پیوسته ادامه داشته است. ارزیابی شما از اعتصاب اخیر پرستاران در شهرهای مختلف ایران چیست؟

این اعتصاب با توجه به گستردگی و سراسری بودن آن دارای اهمیت فراوانی بود. طوری که بنا بر اذعان مسئولان وزارت بهداشت این اعتصاب یک اعتصاب بی سابقه در یک صد سال اخیر در میان پرستاران بود و من تاکید می‌کنم این اعتصاب تا آنجا که به جنبه سراسری و اتحاد و همبستگی اعتصاب کنندگان بر می‌گردد، یکی از اعتصابات کم نظیر در طول چهار دهه گذشته در سطح کشور بوده است.

اما از طرف دیگر این اعتصاب نشان داد

مبارزات طبقه کارگر در ایران پیشینه‌ای طولانی دارد و تأثیر زیادی بر تحولات اجتماعی و اقتصادی کشور داشته است. به بیان دیگر، جنبش کارگری ایران از خرداد ماه ۹۸۲۱ که موفق شد نخستین سندیکای مستقل خود را توسط کارگران چاپخانه‌های تهران تشکیل دهد تا امروز، نقش تعیین کننده‌ای در تحولات سیاسی- اجتماعی ایران داشته است.

تشکیل هسته‌های مقاومت در برابر اشغال ایران در شهریور ۰۲۳۱، تلاش برای تصویب نخستین قانون کار مدون در سال ۵۲۳۱، پشتیبانی از محمد مصدق برای ملی شدن صنعت نفت در سال‌های ۹۲۳۱ تا ۰۳۳۱ و همچنین سازماندهی اعتصاب‌های گسترده در جریان انقلاب سال ۷۵۳۱ که به سقوط سلطنت پهلوی انجامید، از جمله برجسته‌ترین نقش آفرینی کارگران ایرانی در تحولات سیاسی سده اخیر بوده است.

در سال‌های اخیر هم خواست افزایش دستمزدها، مهارت‌ورم، تشکیل سندیکا، توقف برنامه آزاد سازی قیمت‌ها، توقف خصوصی سازی خدمات عمومی به‌ویژه در حوزه آموزش، بهداشت و مسکن و مواردی از این دست،

جعفر عظیم زاده: مبارزات کارگری در ایران نویدبخش دموکراسی و عدالت اجتماعی است



بخش‌های مختلف طبقه کارگر ایران و مزد بگیران زحمتکش به رغم سرکوب و ممنوعیت تشکل‌های مستقل صنفی در بیش از چهار دهه گذشته، قادر به خود سازماندهی اعتراضات و اعتصابات سراسری برای دستیابی به خواسته‌هایشان هستند. هر چند که هنوز، چه پرستاران و چه دیگر بخش‌های طبقه کارگر ایران آنگونه که باید نمی‌توانند این اعتصابات را تا تحقق کامل خواسته‌هایشان ادامه دهند و نهادهای امنیتی با سرکوب، ایجاد فضای امنیتی و تهدید و دستگیری سازمان دهندگان، همچنان می‌توانند مانع تداوم و موفقیت چنین اعتصابات بشوند.

به نظر شما، به طور کلی اعتصابات کارگری در چهار دهه اخیر چه دستاوردهایی داشته و چه تغییری در وضعیت کارگران ایجاد کرده است؟

با این حال، ارزیابی از یک اعتصاب همچون اعتصاب پرستاران را نباید به چهارچوب میزان دستیابی و یا عدم دستیابی آنان به خواسته‌هایشان محدود کرد. چرا که چنین اعتصابات جدای از طول و عرض دستیابی اعتصاب کنندگان به خواسته‌هایشان، هم از جنبه ایجاد همبستگی در میان اعضای یک صنف و تقویت روحیه مطالبه‌گری و نهادینه شدن سنت‌های مبارزاتی دارای اهمیت فراوانی است و هم نقش انگیزشی موثری در میان دیگر بخش‌های طبقه کارگر ایفا میکند.

اما اگر بخواهیم به این دستاوردها از دریچه وضعیت عمومی طبقه کارگر و دستیابی آنها به مطالبات بنیادینی چون بر چیده شدن قراردادهای موقت، چگونگی تعیین حداقل دستمزد، حق برخورداری از تشکلهای مستقل

به نظر من ارزیابی از دستاوردهای اعتصابات کارگری در چهار دهه گذشته یک موضوع چند وجهی است و نمی‌توان به صرف کنکاش در وضعیت کارگران به استنتاج درستی از آن رسید. به این معنا که اگر بخواهیم به این مسئله از دریچه دست‌یابی کارگران به مطالبات خاص‌شان در یک محیط کار پردازیم آنوقت می‌توان گفت که این اعتصابات که نزدیک به صد درصد آنها پیرامون جلوگیری از اخراج‌ها، به تعطیلی کشاندن کارخانجات و عدم پرداخت به موقع دستمزدها بوده است دارای دستاوردهای قابل توجهی بوده‌اند و حکومت و کارفرمایان در بسیاری از کارخانجات با این اعتصابات وادار به عقب نشینی شده‌اند.

کارگری و حق تجمع و اعتصاب بنگریم آنوقت باید بگوییم که جمهوری اسلامی در طول چهار دهه گذشته چنان سرکوب‌خشی را چه در جنبش کارگری و چه در جنبش‌های مدنی و سیاسی و حتی عقیدتی به سرانجام رسانده و بر این متن آنچنان شرایط برده‌واری را بر طبقه کارگر ایران تحمیل کرده است که اساسا اعتصابات سراسری و بزرگ و تعیین‌کننده‌ای پیرامون دستیابی به این مطالبات در سطح کشور رخ نداده است.

به همین دلیل اگر بخواهیم اعتصابات و مبارزات کارگری را از زاویه وضعیت عمومی طبقه کارگر و دستیابی به این حقوق بنیادین که اساسا تضمین‌کننده بهبود شرایط زیست و کار کارگران در هر کشوری می‌باشد مورد ارزیابی و قضاوت قرار بدهیم پر واضح است که در یک کلمه می‌توان گفت در طول چهار دهه گذشته نه تنها اعتصابات و مبارزات کارگران ایران دستاوردی نداشته و تغییر مثبتی در وضعیت آنان رخ نداده است بلکه بطور واقعی و عینی، شرایط معیشتی و شغلی میلیون‌ها کارگر هر سال بدتر و فاجعه‌بارتر نیز شده است.

اما این تمام داستان جنبش کارگری و دستاوردهای اعتصابات و مبارزات کارگری در جایی مانند ایران نیست. اینجا کشوری است که در طول یک قرن گذشته در نتیجه سیطره حکومت‌های به غایت استبدادی بر آن به جز چند دوره کوتاه، کارگران هیچ فرصت و امکان آزادانه و حتی نیم‌بندی را برای دفاع از حقوق انسانی خود نداشته و قادر به پی‌افکنی سنت‌های مبارزاتی و تشکیلاتی متعارف و قوام‌مندی نشده‌اند.

با این حال بر بستر دستاوردهای آن چند دوره کوتاه و شرایط به غایت غیر قابل‌تحملی که در طول ۰۴ سال گذشته بر طبقه کارگر ایران تحمیل شد کارگران در کلیه واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی، بویژه در مواجهه با اخراج‌سازی‌ها، به تعطیلی کشاندن مراکز تولیدی و عدم پرداخت به موقع دستمزدها، به چنان مبارزه نفس‌گیری در سطح محلی و کارخانه‌ای دست زدند که در موارد بسیاری علاوه بر دستیابی به مطالباتشان، موفق شدند «اعتصاب و تجمع» را در دو دهه گذشته به رغم غیر قانونی و حتی حرام اعلام شدن آن، به عنوان یک ابزار مهم و حیاتی در مبارزه برای دستیابی به مطالباتشان بر حکومت و کارفرمایان تحمیل کنند و در اغلب موارد دستمزد ایام اعتصاب خود را نیز بگیرند.

بطور خلاصه باید بگوییم اگر بخواهیم از منظری عینی و تاریخی به دستاوردهای اعتصابات کارگری در طول چهار دهه گذشته و قبل از آن به مثابه وجهی از فرایند شکل‌گیری و تثبیت مناسبات سرمایه‌داری در ایران و به تبع آن رشد و شکوفایی طبقه کارگر به مثابه یک جایگاه اصلی تولیدی و اجتماعی بنگریم به نظر من اعتصابات محلی و کارخانه‌ای در طول چهار دهه گذشته چونان تمرینی سنگین و طاقت فرسا پتانسیل



در واقع دوره حاضر در تحولات سیاسی کشور به مطالبات کارگران، به سرعت در مسیر امتزاج به معنای وسیع و تاریخی کلمه شاخص ترین و پیشگامی تعیین کننده‌ای با جنبش انقلابی و متعین ترین دوره‌ای است که جنبشهای مردم ایران برای تغییرات بنیادین در کشور قرار اجتماعی مدرنی چون جنبش کارگری و جنبش زنان و...، در ابعادی گسترده و از پایین و به اعتراضات سراسری بازنشستگان، پرستاران و در مقاطعی معلمان و کارگران پیمانی نفت، شدت تاثیر گذار، زمین را زیر پای قدرت سیاسی و در مقاطعی معلمان و کارگران پیمانی نفت، حاکم داغ کرده و کل طبقه حاکم را چه در طلیعه‌های چنین روندی است که دیر یا زود قدرت و چه در اپوزیسیون دچار بحران وجودی و به شکل خیره کننده‌ای محاسبات حکومت و همچنین اپوزیسیون شبه حکومتی و اعاده طلب هویتی کرده است.

بر این مینا، من فکر می‌کنم جنبش کارگری را برای حفظ چهارچوبهای سیاسی اقتصادی و در تداوم مطالبات و اعتراضات صنفی محلی و کارخانه‌ای، راه خود را به سوی اعتراضات و اعتصابات سراسری باز خواهد کرد و بر این متن، ایرانی نوین و مبتنی بر آزادی و دموکراسی و رفاه به ویژه با توجه به اوضاع سیاسی و اقتصادی و عدالت اجتماعی باز خواهد کرد.

کشور و استیصال و درماندگی حکومت در پاسخ

لازم را در میان کارگران برای تشکل پذیری، فرهنگ بر مردم ایران تحمیل شده است. در افتادن با قدرت سرکوب و اختناق و شیفت کردن به مطالبات بنیادین و حتی دخالت متعین طبقاتی در ابعادی میلیونی در سرنوشت سیاسی کشور ایجاد کرده است.

به عبارت دیگر، با توجه به کل شرایط و اوضاع و احوالی که جمهوری اسلامی در طول چهار دهه گذشته پدید آورده، هر درجه از دستیابی کارگران به مطالباتشان بویژه مطالبات بنیادینی چون موضوع قراردادها، دستمزدها و حق تشکل یابی و...، بشدت به سیاست و تحولات سیاسی در کشور گره خورده است و این گره خوردگی آنچنان شرایطی را پدید آورده است که چشمندان جنبش کارگری با چشمندان تحولات سیاسی کشور در یک امتزاج تاریخی قرار بگیرند.

با توجه به وضعیت موجود، شما چه چشم اندازی پیش روی جنبش کارگری ایران می‌بینید؟

واقعیت این است که جامعه ایران امروزه در یک بزنگاه تاریخی و تعیین کننده‌ای برای گذار از کل آن شرایطی قرار گرفته است که از انقلاب مشروطیت به این سو و به‌ویژه در طول ۶۴ سال گذشته توسط حکومت‌های استبدادی در تمام ابعاد زندگی سیاسی اقتصادی و اجتماعی

جواد عباسی توللی

به‌نظر شما، به طور کلی اعتصابات کارگری در ایران در چهار دهه اخیر چه دستاوردهایی داشته است؟ چه تغییری در وضعیت کارگران ایجاد کرده است؟

سال آینده، صدمین سالگرد سرکوب سازمان یافته مبارزات کارگران ایران با اعلام جشن اول ماه مه ۵۰۳۱ است که در ادامه آن قانون ممنوعیت مرام اشتراکی در خرداد ماه ۱۳۱۰

تصویب شد که قطعا بر می‌گردد به روند مبارزه که به دوره ۰۲ ساله که بین سال‌های ۵۸۲۱ به بعد است، در مجموع اعتراضات و اعتصابات کارگری در ۰۰۱ سال گذشته تاثیر به‌سزایی نه تنها در تغییر وضعیت اقتصادی کارگران داشته است و مهمتر در رشد فرهنگ اجتماعی جامعه

را در برگرفته است و نشان‌دهنده این موضوع بوده که به‌دست آوردن مطالبات اجتماعی، روندی دشوار داشته است. با این وجود شجاعت و درایت آن بزرگانی است که خشت اصلی حق زندگی را چیده‌اند، بخصوص در دورانی که در کشورهای دیگر منطقه، قوانین حق کار و ایمنی کار وجود نداشته و دستمزدبگیران با فعالیت‌هایشان بذری را کاشتند که منجر به دستاوردهایی بسیاری در این زمینه شده است.

اگر به ۵۴ سال گذشته نگاهی بیاندازیم، با وجود سالانه از صدها تا هزاران اعتراض و اعتصاب کارگران با سرکوب بسیار خشن و بیرحمانه مواجه بوده‌اند. یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری در تاریخ ۸۱ فروردین ۸۵۳۱ توسط کارگران بیکار شده اصفهان رقم خورد که منجر به کشته شدن تعدادی از آن‌ها شد. در همان سال اول

آزادی در برپایی تشکل مستقل، تضمین کننده حقوق کارگران خواهد بود. به‌عبارت دیگر، حق برخورداری کارگران از سندیکا به‌طورمستقیم، امکانات مؤثری برای سازماندهی مبارزات کارگری، اعتصاب و در نهایت تحقق مطالبات آنها را فراهم خواهد کرد.

هرچند در قوانین ایران تشکیل سندیکای مستقل جرم انگاری نشده است اما مراجع قضایی و نهادهای امنیتی در بسیاری از موارد کارگران معترض را به‌دلیل تلاش برای تشکیل سندیکای مستقل خود مجرم و قانون‌شکن دانسته و آنها را تحت پیگرد قرار داده‌اند.

با همه این اوصاف، کارگران در ایران توانسته‌اند در طی بیش از چهار دهه گذشته تاکنون با تشکیل محفل‌ها و تشکل‌های مستقل خود، هزاران اعتصاب کارگری را سازماندهی کنند.

مهدی کوهستانی نژاد، مشاور کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و فعال کارگری ساکن کانادا بر این باور است که اگر ایستادگی جنبش کارگری ایران با وجود تمام سرکوب‌ها، بیکارسازی‌ها و حبس‌ها در برابر استبداد حاکم بر کشور نبود، وضعیت اقتصادی در ایران بسیار وحشتناک‌تر از چیزی بود که در حال حاضر در جریان است.

مجله حقوق ما برای بررسی دستاوردهای اعتصاب‌های کارگری در ایران با این فعال کارگری گفت‌وگو کرده است.

چشم‌انداز مبارزات کارگری در ایران؛ بادها خبر از تغییر فصل می‌دهند



پس از فروپاشی سلطنت پهلوی، اعتراضات و اعتصابات بسیاری به وجود آمد که اغلب آن‌ها با خشونت سرکوب شدند. درست در ماه‌های اول بعد از انقلاب، در بخش‌نامه رسمی نخست وزیر، مخالفت با دولت، اخلال و کم‌کاری حمل بر خرابکاری و ضدانقلابی‌گری تعریف شد. به این ترتیب از سال ۸۵۳۱ تا امروز با فشار و سرکوبی مواجه بودیم که در صورت عدم وجود این اعتصابات و اعتراضات، در شرایط کنونی جامعه ما احتمالاً در رده کشورهای آفریقایی قرار داشت. برای نمونه، معدن کارگران خاتون‌آباد با کشته شدن چهار تن از کارگران از طریق هلیکوپتر و دستگیری دهها نفر سرکوب شد. نگهداری از ابتدایی‌ترین حقوق، دستاورد بسیار مهمی بوده است. به‌ویژه که پس از سال ۷۶۳۱ به بعد، ایران با اقتصاد نرمالی نسبت به سطح جهانی مواجه نبوده است. ما با یک اقتصاد امنیتی روبرو بوده‌ایم که به هیچ‌وجه در مقابل نیروی مخالف خود کوتاه نیامده است. چه در واقعه تیراندازی به کارگران پردیس در سهندج و چه در سال‌های گذشته شلیک ساچمه به سمت کارگران امری عادی شده است.

از سال‌های پس از ۳۸۳۱، هر وقت هم که عده‌ای از کارگران تجمعی به پا کرده‌اند، تعداد زیادی از آن‌ها بازداشت شده‌اند. نمونه‌های آن در سال ۴۸۳۱ در شب پیش از آغاز اعتصاب کارگران سندیکای شرکت واحد، حدود ۰۵۷ تن از کارگران بازداشت شدند؛ اعتراض کارگران هفت تپه که منجر به دستگیری تمام اعضای سندیکا منجر شد و کارگران لاستیک سازی البرز تا دستگیری و اخراج‌های کارگران گروه ملی فولاد؛ حال این حجم از سرکوب؛ دستگیری؛ بیکاری و زندان در رابطه با اعتصاب در مقایسه بر نرُم‌های بسیاری از کشورها که به لحاظ قانونی، کارگران برای بدست آوردن خواسته‌هایشان و با رجوع به قانون کار که پیش از اعتصاب زمانی را برای کارفرما تعیین می‌کنند. کارفرما نیز زمانی را برای رسیدگی تعیین می‌کند. در ایران و حتی در نرم‌های کشورهای همسایه اما چنین قوانین و شرایطی وجود نداشته است. در ایران حتی فکر کردن به اعتراض و فکر کردن در رابطه با اعلام مخالفت، جرم محسوب می‌شود. کارگران حتی حق برپایی جشن برگزاری تجمع اول ماه می یا روز جهانی زن را نداشته‌اند؛ حال بماند که در صورت کشته شدن کارگر ناشی از کار نیز حق سوگواری انفجارها معادن و دادخواهی نیز از آنها گرفته شده است که در رابطه با سوانح کار از جمله معادن طرزه؛ شازند؛ یورت؛ گلستان و طبس بخش کوچکی از این فاجعه است.

با این وجود و با تمام سرکوب‌ها، بیکارسازی‌ها و حبس‌ها، کارگران در تمامی بخش‌های اقتصادی؛ معلمان؛ رانندگان؛ حتی نیروهای ارتش و بازنشستگان همچنان ایستادگی کرده‌اند و اگر این دستاوردها وجود نداشت، وضعیت اقتصادی در ایران بسیار وحشتناک‌تر از چیزی بود که در حال حاضر در جریان است.

به نظر شما چرا صنف‌های مختلف در ایران مانند معلمان، کارگران و پرستاران پس از دهه‌ها نتوانسته‌اند دست کم یک

اعتصاب صنفی مشترک با یکدیگر را سازماندهی کنند؟ به نظر شما با وجود سرکوب‌ها و در چنین شرایطی، این به هم پیوستگی چگونه ایجاد خواهد شد؟

اعتصاب صنفی با اعتصاب سیاسی تفاوت دارد. در مقایسه با کشورهای دیگر به نظر من، در ایران همبستگی‌های بیشتری چه در رابطه با اعتراضات و اعتصابات صنفی و سیاسی وجود داشته است. در کشورهای غربی هم به همین ترتیب است. برای نمونه، وقتی معلمان در کشورهای غربی اعتصاب می‌کنند، کارگران راه‌آهن در همبستگی با معلمان اعتصاب نمی‌کنند؛ اما زمانی که مساله بهداشت و دستاوردهای بازنشستگان باشد ما شاهد اعتراضات گاه میلیونی هستیم که حمایت می‌کنند؛ در رابطه با ایران اعتصابات و اعتراضات حتی بازار وجود داشته است. در تمام بیش از چهار دهه گذشته در ایران، جایی نبوده که چنین حمایت‌هایی وجود نداشته باشد. حتی می‌توانیم در مسائل عمومی این جنبه را ببینیم. به عنوان مثال در رابطه با مساله بنزین در سال ۸۹۳۱، اعتراضات، اعتصابات و تظاهرات به صورت عمومی رخ داد چراکه این موضوع تمامی جامعه را در بر می‌گیرد.

یا آنچه که در سال ۸۸۳۱ رخ داد را می‌توان به عنوان یک همبستگی سراسری در نظر گرفت. یک عمل نانوخته اما هماهنگ. چه در سال ۶۹۳۱، چه در سال‌های ۸۹۳۱ و ۱۰۴۱، آمار بازداشت‌شدگان بین ۹ هزار تا ۰۲ هزار دستگیری و در رابطه با کشته‌شدگان بین ۰۰۵ تا دو هزار تن در نوسان است. از اوائل سال ۰۶۳۱ یعنی با اعتراض حاشیه‌نشینان افسریه، اعتراضات سراسری پرتکراری رقم خورد که به صورت هماهنگ به پیش می‌رفت.

به نظر من برای تحلیل اعتصابات سراسری ۶۵۳۱ ما همچنان به زمان نیاز داریم. با انتشار اسناد مرتبط می‌توان نشان داد در حدود ۰۲ هزار کارگر نفت اهواز، تهران، گچساران، آبادان، خارک، آقاجاری، ماهشهر که با هم دست به یک اعتصاب سراسری می‌زنند، به شرایط موجود در خارج از کشور برمی‌گردد. وقتی در آبان ۶۵۳۱ کنفدراسیون جهانی دانشجویان در واشنگتن تظاهرات سراسری را آغاز کردند، تاثیرات خود را در داخل کشور گذاشت. در دهه ۰۵ شمسی، جریانات و هسته‌های سیاسی موجود در خارج از کشور بسیار در فضای سیاسی داخل کشور موثر بودند. برخلاف امروز که اعتراضات داخل به نیروهای خارج کشور نیرو می‌دهد. بر این اساس اعتصابات کارگران نفت در آن سال در فضای متفاوتی رخ داد که به عوامل متعددی از جمله مساله سینما رکس آبادان و سوختن ۰۰۴ تن در این رخداد برمی‌گردد.

نمونه دیگر اعتصابات و اعتراضات سال‌های ۰۰۴۱ و ۱۰۴۱ معلمان در سراسر کشور را داشتیم. اعتصاب معلمان در شیراز در سال ۱۰۴۱ که نسبت به معلمان دیگر شهرها ما شاهد شرکت هزاران معلم دارد، طبق آمار خود حکومت حدود ۹ هزار تن برای اعتصابات و اعتراضات معلمان به خیابان آمدند که

نشان‌دهنده این موضوع است که سایر بخش‌های اقتصادی نیز به معلمان در خیابان پیوسته‌اند. این مساله که تا چه میزان نیروی سرکوبگر توانایی سرکوب چنین حرکت‌هایی را دارد، یک بحث اساسی و جدی است که از توان افراد در خارج از کشور بیرون است اما کسی که در داخل کشور در حال سازماندهی و نمایندگی این اعتراضات است، این امکان را دارد.

برای بسیاری از اعتراضاتی که طی هر سال در ایران برپا می‌شود، باید میانگین حدود هفت نفر به‌طور هماهنگ آن را پیش ببرند. به این معنا که یک هسته اولیه در حال سازماندهی

است. بنابراین چیزی حدود ۰۵-۰۶ هزار نیروی سازمانده در ایران وجود دارد. با افزایش تصاعدی این نیرو، چیزی حدود دو، سه میلیون سازمانده داریم که آماده حمله به دشمن هستند. از این زاویه به نظر من نیرویی که باید هماهنگی سراسری را در دست بگیرد و انجام دهد، وجود دارد اما مشاهده و ارزیابی و اندازه‌گیری آن هنوز زود است. بر اساس آمارها و بحث‌های درونی نهادهای امنیتی، میزان نیروی سازمانده، اعتراضات و اعتصابات، بالاتر از آن چیزی است که به ذهن مان خطور می‌کند.

با توجه به وضعیت موجود، چه چشم اندازی پیش روی جنبش کارگری ایران می‌بینید؟ آیا آن‌ها می‌توانند حقوقی را که از آن‌ها سلب و ضایع شده، بالاخره به‌دست آورند؟

این مساله، یک مساله جهانی است و تنها

اینکه این نیرو در خارج از ایران چگونه می‌تواند به نیروی داخلی که تحت فشارهای زیادی قرار دارد کمک کند. جامعه ایران در مرحله‌ای قرار گرفته که نیاز به حمایت واقعی دارد. جنبش سیاسی ایرانی در یک گسست عجیب قرار داشته و در این زمینه جنبش زحمتکشان امید همیاری جهانی کارگری را دارند که این امر نیز جدا از فضای سیاسی موجود نیست. بطور مشخص در یکسال گذشته و بخصوص از زمان دستگیری‌های اول ماه مه نگران‌ها بیشتر شده است. حتی حمایت جهانی از جنبش کارگری ایران آنها را در کنجی کشانده است که مبادا این حمایت این نهادها را بعنوان جنگ طلب نشان دهد.

در درون ایران از محیط کار تا زندان‌ها شرایط غیرانسانی حکم‌فرماست و همین موضوع باعث شده که عواقب یک عمل هماهنگ که منجر به بازداشت شدن شود و بازداشت‌شدگان هزینه زیادی باید بدهند. نیرویی که می‌تواند خارج از کشور، نیروی سرکوبگر را به جای خودش بنشانند، باید تغییر کند و سرپا شود. از حالت ذهنی باید به واقعیت تبدیل شود. باید ببینیم با چه امکانات و شرایطی می‌توانیم به نیروهای داخل کمک کنیم. دستمزدبگیران مجبور هستند و جبر تاریخ مجبورشان کرده راه‌های جدیدی برای خود پیدا کنند اما وظیفه نیرویی که خارج از کشور است و حدود ۰۱-۵۱ درصد جمعیت درون جامعه ایران را تشکیل می‌دهد این است که به خود بیاید و هماهنگ‌تر عمل

کند. تعداد نیروی تحصیل‌کرده و متخصص ایرانی در تمام رشته‌ها در خارج از کشور بسیار زیاد است. این نیرو باید جایگاه خود را پیدا کند و بتواند نظمی را برای کمک به نیروی داخلی ایجاد کند. جامعه ایران کمبود رهبر و کنفرانس ندارد. آن چیزی که نیاز دارد آن نیروی حامی سرکوبگر که در خارج این جنایت را سفید شویی می‌کند را رسوا کند. باید از تمامی امکانات اصولی استفاده کرد. اتفاقاً حامی سرکوبگر است که با وصله زدن نمی‌خواهد نیروی حامی شناخته شود. نیروی حامی سرکوبگر پشت جریانات ارتجاعی کشورهای منطقه و غربی پنهان شده است و مساله تحریم را چوب کرده و بر سر نیروی مبارز می‌زند. سال‌ها بود با عنوان سوریه‌ای شدن ایران گفتمان و سخنگویی سرکوبگر هستند.

نیروی خارج از کشور بخش مهمی از معادله است. به همین دلیل هم حکومت، هزینه و نیروی زیادی صرف به بی‌راهه کشاندن نیروی موجود در خارج کشور می‌کند که خوشبختانه اسناد بسیاری بیرون آمد که جریاناتی که خیلی خودشان را رادیکال نشان می‌دادند در اصل حقوق بگیر و ضابط نیروهای امنیتی بودند. به‌نظر من ما به عنوان فعالان اجتماعی، باید تمرکز بیشتری بر این موضوع داشته باشیم و وظیفه خود را بهتر انجام دهیم. با‌دها خبر تغییر فصل را می‌دهند و فصل جدید سیاسی در راه است و باید اعتماد بنفس دستمزد بگیران را بالا برد که تغییر از طریق این مبارزه صد ساله دارد به ثمر می‌رسد.



آفاق ربیعی زاده

مطالبات آنها ندادند. هرچند بسیاری از تشکل‌های مستقل کارگری و صنفی در ایران با صدور بیانیه، حمایت خود را از اعتصاب فراگیر پرستاران اعلام کردند اما پرسش‌هایی که در این بین مطرح می‌شود، این است که:

اعتصاب‌های کارگری در ایران در یک روند فراقانونی، جرم‌انگاری شده است و بر این اساس، کارگرانی که برای برآورده شدن مطالبات صنفی خود دست به اعتصاب بزنند، ممکن است با انواع اتهامات بی اساس و برخوردهای خشونت‌آمیز مواجه شوند. نهادهای امنیتی با هم‌دستی مراجع قضائی حتی ممکن است از طریق تشریفات کیفری که در قوانین جاری در ایران لحاظ شده است، برای کارگران مجازات‌های سنگین در نظر بگیرند. اعتصاب‌های پرستاران و کادر درمان که از روز ۵۱ مرداد ۳۰۴۱ ابتدا در شیراز آغاز شد و در روزهای بعد به بیش از ۰۴ شهر و ۹۵ بیمارستان و مرکز درمانی در سراسر کشور گسترش یافت، یکی از آخرین نمونه‌ها از اعتصاب صنفی در ایران است که نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی پس از گذشت بیش از یک ماه از این اعتصاب‌ها با برخورد خشونت‌آمیز و بازداشت شماری از پرستاران معترض، اقدام به سرکوب این اعتصاب‌ها کردند. نهادهای دولتی دیگر نظیر وزارت بهداشت نیز با وجود گستردگی اعتصاب پرستاران، هیچ پاسخ موثری به

به نظر شما چرا صنف‌های مختلف در ایران مانند معلمان، کارگران و پرستاران پس از دهه‌ها نتوانسته‌اند دست کم یک اعتصاب صنفی مشترک با یکدیگر را سازماندهی کنند؟ به نظر شما این به هم پیوستگی چگونه ایجاد خواهد شد؟

متأسفانه پراکندگی اجتماعات اصناف مختلف وعدم هماهنگی بین آنها باعث شده است تا حکومت بتواند به اشکال مختلف آنها را سرکوب

مطالبات آنها ندادند. هرچند بسیاری از تشکل‌های مستقل کارگری و صنفی در ایران با صدور بیانیه، حمایت خود را از اعتصاب فراگیر پرستاران اعلام کردند اما پرسش‌هایی که در این بین مطرح می‌شود، این است که:

فریدون نیکو فرد: حکومت و کارفرمایان با فشار میدانی وادار به مذاکره خواهند شد



و مرعوب کند. از نظر سرکوب شدن، مهمترین دلیل سرکوب‌ها هم همین پراکندگی و البته عدم وجود تشکل آزاد برای کارگران است. از طرف دیگر، کارگران در ایران، نمایندگان و رهبران واقعی و با تجربه و آزموده‌ای ندارند و برخی افراد تحت عنوان فعال صنفی و به صورت موضعی جلودار آنها شده و از آنجائی که این فعالان صنفی انتخابی نیستند و از نظر قانونی هم مسئولیتی ندارند، زمانی که جنبش یا مبارزه جلوتر می‌رود و به مرحله نتیجه‌گیری می‌رسد، این فعالان یا تلمیح می‌شوند یا با یک تشر و برخورد و احضار امنیتی کنار می‌کشند یا اینکه

به دلیل عدم شناخت، در چنین فضایی، برخی از افراد فضا موج سواری کرده و در جهت منافع شخصی عمل می‌کنند.

این در حالی است که اگر مبارزات کارگران در چارچوب تشکل‌هایی با مرام‌نامه و اساس‌نامه باشد، نه تنها چنین وضعیتی پیش نخواهد آمد بلکه مبارزات یک تشکل کارگری، در جهش حرکتی خود می‌تواند با دیگر تشکل‌های کارگری متحد شده تا بر مبنای مشترکات حرکت کنند و با فشار مضاعف بر کارفرمایان، تاثیر گذاری آنها هم بیشتر خواهد شد. تجربه ۰۲ ساله اینجانب در امور کارگری و بازنشستگی نشان داده است که حکومت و کارفرمایان را می‌توان با فشار میدانی و ادار به مذاکره عزت‌مندانه و قدرت‌مندانه کرد و به هدف رسید.

بلکه مبارزات یک تشکل کارگری، در جهش حرکتی خود می‌تواند با دیگر تشکل‌های کارگری متحد شده تا بر مبنای مشترکات حرکت کنند و با فشار مضاعف بر کارفرمایان، تاثیر گذاری آنها هم بیشتر خواهد شد. تجربه ۰۲ ساله اینجانب در امور کارگری و بازنشستگی نشان داده است که حکومت و کارفرمایان را می‌توان با فشار میدانی و ادار به مذاکره عزت‌مندانه و قدرت‌مندانه کرد و به هدف رسید.

بنابراین، نخست باید در سطح کارگاه یا بخش از پائین به بالا متشکل شد و بعد با ایجاد پیوند بین اصناف، وحدت ایجاد کرد. حضور افراد مطالبه گر واقعی و افرادی که دارای شجاعت و آگاهی لازم بوده و مورد اعتماد باشند، کار را در این بخش آسان‌تر خواهد کرد. این روش علی‌رغم تهدیدها و فشارهای سنگین امنیتی، در ایجاد سندیکای نیشکر هفت تپه هم به کار گرفته شد. هرچند که شماری از کارگران تحت فشار قرار گرفتند اما در نهایت توانستیم برای حدود پنج هزار کارگر، یک تشکل مستقل ایجاد کنیم.

بدتر شدن وضعیت معیشتی و دستمزد پایین از عمده‌ترین دلایل برپایی تجمعات از سوی پرستاران در شهرهای مختلف ایران بوده است. به نظر شما با توجه به وضعیت موجود، آیا این مطالبات از سوی دولت برآورده خواهد شد؟

مطالبات پرستاران در صورت پایان تجمعات اعتراضی و عدم فشار بر مسئولان وزارت بهداشت و دولت، به هیچ عنوان نه طبق قانون و نه طبق خواسته‌های آنها محقق نخواهد شد. هدف وزارت بهداشت و سایر نهادهای از وعده‌هایی که به پرستاران داده‌اند هم صرفاً از تب وتاب انداختن تجمعات است تا بدین طریق، در اولین فرصت و پس از جدا شدن فعالان و رهبران از بدنه مطالبه‌گران، با ترفندهای

مختلف و به خصوص با تهدیدات امنیتی، اخراج و تعلق این فعالان، تجمعات را عقیم کنند. و تورمی بر جامعه از سوی دیگر، باعث شد مسئولان دولتی صرفاً برای پیشبرد تبلیغات حکومتی، خرید زمان بیشتر به نفع حکومت و خسته کردن معترضان، در ظاهر وعده‌هایی می‌دهند تا این تجمعات مشمول مرور زمان شود. یکی از مشکلات پرستاران و بازنشستگان پراکندگی آنهاست که در صورت پایان تجمعات به هرشکلی و نبود تشکل، مشکل بتوان آنها را مجدداً جمع و جور کرد و مسئولان دولتی هم به این امر واقفند.

از دیدگاه من، قطعاً با توجه به روند منفی اقتصادی در کشور و با در نظر گرفتن معیشت فلاکت‌بار کارگران و بی‌خاصیتی نهادهایی چون شورای اسلامی کار و عدم توان اعضای شورای عالی کار جهت تعیین مزد متناسب با تورم، جامعه کارگری مهم‌ترین خطر برای حکومت با توجه به کثرت آنها محسوب می‌شود.

حکومت جمهوری اسلامی در دهه ۰۶ و بعد از آن با سرکوب و انحلال سندیکاهای کارگری و درغیاب رسانه‌ها و در لوای جنگ تحمیلی تا حدودی توانستند مبارزات کارگران کنترل کنند. یکی از مهم‌ترین اهداف حکومت برای احلال سندیکاها، قطع ارتباط کارگاه‌های مختلف با یک‌دیگر بود تا کارگران در بخش‌های مختلف نتوانند در موضوعاتی نظیر تدوین قانون کار و مزایایی مانند بدی آب وهوا، ایمنی کارگاه‌ها و امنیت شغلی و مواردی از این دست با یک‌دیگر همفکری و اتحاد داشته باشند. با گذشت زمان، ایجاد رسانه‌ها و حمایت آنها و بالارفتن

از دیدگاه من، قطعاً با توجه به روند منفی اقتصادی در کشور و با در نظر گرفتن معیشت فلاکت‌بار کارگران و بی‌خاصیتی نهادهایی چون شورای اسلامی کار و عدم توان اعضای شورای عالی کار جهت تعیین مزد متناسب با تورم، جامعه کارگری مهم‌ترین خطر برای حکومت با توجه به کثرت آنها محسوب می‌شود.

مستولان نظام با پیوستن کارگران نفت و اعتصابات سراسری توانستند حکومت گذشته را سرنگون کنند و بدین خاطر است که از متشکل شدن کارگران و ایجاد سندیکاها واهمه دارند و تمام توان خود را با هر ترفندی را بکار می‌برند تا این اتحاد صورت نگیرد اما به نظر من، به دلیل وضعیت اقتصادی موجود، به زودی این آتش زیر خاکستر روشن خواهد شد.

چشم اندازی پیش روی جنبش کارگری ایران می‌بینید؟

حکومت جمهوری اسلامی در دهه ۰۶ و بعد از آن با سرکوب و انحلال سندیکاهای کارگری و درغیاب رسانه‌ها و در لوای جنگ تحمیلی تا حدودی توانستند مبارزات کارگران کنترل کنند. یکی از مهم‌ترین اهداف حکومت برای احلال سندیکاها، قطع ارتباط کارگاه‌های مختلف با یک‌دیگر بود تا کارگران در بخش‌های مختلف نتوانند در موضوعاتی نظیر تدوین قانون کار و مزایایی مانند بدی آب وهوا، ایمنی کارگاه‌ها و امنیت شغلی و مواردی از این دست با یک‌دیگر همفکری و اتحاد داشته باشند. با گذشت زمان، ایجاد رسانه‌ها و حمایت آنها و بالارفتن

از دیدگاه من، قطعاً با توجه به روند منفی اقتصادی در کشور و با در نظر گرفتن معیشت فلاکت‌بار کارگران و بی‌خاصیتی نهادهایی چون شورای اسلامی کار و عدم توان اعضای شورای عالی کار جهت تعیین مزد متناسب با تورم، جامعه کارگری مهم‌ترین خطر برای حکومت با توجه به کثرت آنها محسوب می‌شود.

نعیمه دوستدار: اعتصاب پرستاران نشان از ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی دارد



آفاق ربیعی زاده

عموم جامعه خواهد گذاشت.

طبق گزارش‌های موجود، اعتصاب و اعتراضات فراگیر پرستاران از روز ۵۱ مرداد سال جاری ابتدا در شیراز آغاز شد و پس از آن به چند شهر دیگر در استان فارس و همچنین به شهرهای مختلف در استان‌های هرمزگان، همدان، کهگیلویه و بویر احمد، مازندران، البرز، یزد، آذربایجان شرقی، اصفهان، بوشهر، کرمانشاه، اراک، خراسان رضوی، ایلام و کرمان گسترش یافت.

اعتراضات پرستاران در ایران، حدود دو ماه ادامه داشت و در مقطعی در سراسر کشور فراگیر شد به طوری که به بیش از ۴۰ شهر و ۵۰ بیمارستان در سراسر کشور رسید. به نظر شما چه عواملی منجر به گسترده شدن اعتراضات در میان کارکنان این صنف شد؟

بنابر اعلام محمد شریفی‌مقدم، دبیرکل خانه پرستار، اعتراضات پرستاران در ماه‌های اخیر در کشور در ۰۰۱ سال تاریخ پرستاری ایران بی‌سابقه بوده است.

پرستاران معترض در تجمعات خود، خواستار افزایش دستمزد متناسب با میزان واقعی نرخ تورم، امنیت شغلی، رفع کمبود نیروی انسانی و اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری شدند. وزارت بهداشت و دولت اما هیچ‌گونه پاسخ روشنی به این مطالبات پرستاران ندادند و نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی پس از گذشت بیش از یک ماه از این اعتصاب‌ها با برخورد خشونت‌آمیز و بازداشت شماری از پرستاران معترض، دست به سرکوب آنها زدند.

موضوع اعتراضات پرستاران در ایران تازگی ندارد و مساله امروز و دیروز و حتی سال گذشته نیست. سال‌هاست که پرستاران نسبت به وضعیت شغلی خود معترض‌اند. در هر برهه‌ای هم ابعادی از مساله پررنگ‌تر شده است.

یکی از مهم‌ترین مطالبات پرستاران، مشخص شدن تعرفه خدمات پرستاری است. آن‌ها همواره خواهان مشخص شدن سیستم تعرفه‌ها در مشاغل درمانی هستند. از این رو پرستاران سال‌ها این مطالبه را دنبال کردند تا اینکه پس از گذشت یک دهه، یک تعرفه‌گذاری نسبی ایجاد شد و با وجود اینکه مطلوب نبود در نهایت همان هم اجرا نشد.

برای نمونه، مبلغی را برای یک شیفت کاری پرستاری در نظر گرفتند در حالی که امکان

نعمه دوستدار، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان، معتقد است که عدم توجه دولت به مطالبات پرستاران، تأثیرهای بسیار منفی بر

داشت چندین خدمت پرستاری در آن یک مطرح شده است و جزو مطالبات بنیادی شیفت صورت بگیرد و برای انجام آن لازم پرستاران محسوب می‌شود. بخش اعظم باشد که چند فرد مختلف درگیر شوند. حاصل پرستاران در ایران با قراردادهای کوتاه‌مدت چنین طرحی این بود که رقم ناچیزی که برای به‌شکلی که تحت عنوان «شرکتی» شناخته تعرفه یک شیفت پرستاری در نظر گرفته بودند، شده است، استخدام می‌شوند. شیوه استخدام ممکن بود بین چند نفر تقسیم شود. علاوه بر شرکتی به این ترتیب است که یک شرکت، تعدادی پرستار به بیمارستان‌ها معرفی می‌کند. اینکه این تعرفه با ارزش ناچیز بین پرستاران توزیع می‌شود، نسبت به تعرفه خدمات پزشکی در این روش، نه تنها قراردادهای کاری، امنیت هم تفاوت بسیار زیادی داشت به‌گونه‌ای که شغلی پرستاران شرکتی را تأمین نمی‌کند بلکه سیستمی تبعیض‌آمیز بین پرستاران و پزشکان پرستاران شرکتی نسبت به پرستارانی که با قرارداد ثابت و بلند مدت در بیمارستان‌ها ایجاد کرد.

مبلغی که پزشکان برای هر خدماتی که در بیمارستان اعم از معاینه و خدمات اتاق عمل دریافت می‌کنند با آنچه پرستاران دریافت می‌کنند، تفاوت زیادی دارد و یکسان نیست. از این رو، مساله تعرفه‌گذاری، موضوعی است که همچنان در شعارهای پرستاران شنیده می‌شود. با وجود اینکه پس از این همه سال راجع به آن چانه‌زنی صورت گرفته و سرانجام، جسته و گریخته درمورد آن قانونی تصویب شده است اما همچنان به‌صورت مساله باقی مانده و نه تنها رضایت پرستاران را تأمین نکرده بلکه صرفاً همان مبالغ به معوقات پرستاران و حقوق‌های پرداخت نشده، اضافه شده است.

اعتراض به شیوه استخدام پرستاران، یکی دیگر از مواردی است که از سال‌های گذشته تاکنون همواره در تجمعات اعتراضی پرستاران داشت چندین خدمت پرستاری در آن یک مطرح شده است و جزو مطالبات بنیادی شیفت صورت بگیرد و برای انجام آن لازم پرستاران محسوب می‌شود. بخش اعظم باشد که چند فرد مختلف درگیر شوند. حاصل پرستاران در ایران با قراردادهای کوتاه‌مدت چنین طرحی این بود که رقم ناچیزی که برای به‌شکلی که تحت عنوان «شرکتی» شناخته تعرفه یک شیفت پرستاری در نظر گرفته بودند، شده است، استخدام می‌شوند. شیوه استخدام ممکن بود بین چند نفر تقسیم شود. علاوه بر شرکتی به این ترتیب است که یک شرکت، تعدادی پرستار به بیمارستان‌ها معرفی می‌کند. اینکه این تعرفه با ارزش ناچیز بین پرستاران توزیع می‌شود، نسبت به تعرفه خدمات پزشکی در این روش، نه تنها قراردادهای کاری، امنیت هم تفاوت بسیار زیادی داشت به‌گونه‌ای که شغلی پرستاران شرکتی را تأمین نمی‌کند بلکه سیستمی تبعیض‌آمیز بین پرستاران و پزشکان پرستاران شرکتی نسبت به پرستارانی که با قرارداد ثابت و بلند مدت در بیمارستان‌ها ایجاد کرد.

مبلغی که پزشکان برای هر خدماتی که در بیمارستان اعم از معاینه و خدمات اتاق عمل دریافت می‌کنند با آنچه پرستاران دریافت می‌کنند، تفاوت زیادی دارد و یکسان نیست. از این رو، مساله تعرفه‌گذاری، موضوعی است که همچنان در شعارهای پرستاران شنیده می‌شود. با وجود اینکه پس از این همه سال راجع به آن چانه‌زنی صورت گرفته و سرانجام، جسته و گریخته درمورد آن قانونی تصویب شده است اما همچنان به‌صورت مساله باقی مانده و نه تنها رضایت پرستاران را تأمین نکرده بلکه صرفاً همان مبالغ به معوقات پرستاران و حقوق‌های پرداخت نشده، اضافه شده است.

اعتراض به شیوه استخدام پرستاران، یکی دیگر از مواردی است که از سال‌های گذشته تاکنون همواره در تجمعات اعتراضی پرستاران

همچنین درمورد مساله بازنشستگی، این صنف قرار بود به‌عنوان یکی از مشاغل سخت و طاقت‌فرسا، بازنشستگی زودهنگام داشته باشد اما قانون تصویب شده در این زمینه نیز به‌شکل ناقص و نادرست اجرا شد که زمینه‌های اعتراضی را فراهم کرد.

همه این موارد به علاوه مساله ناچیز بودن و پرداخت نشدن حقوق پرستاران و به‌طور کلی معوقات مزدی‌شان، مواردی بوده است که در اعتراضات‌شان، مدام بر آن‌ها تأکید می‌شده است.

در کنار همه این موضوعات که مربوط به بُعد اقتصادی این حرفه است، مساله سلامت روان و فشار روانی از مسائل عمده در حوزه شغل پرستاری است. در سال‌های اخیر به دلیل فشارهای غیرقابل تحمل موجود در سیستم بهداشت و درمان، به‌طور مرتب خبر خودکشی پرستاران شنیده می‌شود. ساختارهای دولتی‌ای ناکارآمدی که از عهده تأمین نیروی انسانی کافی و امکانات درمانی لازم برنمی‌آید، باعث شده تا فشارهای کاری بر پرستاران به حدی برسد که برخی از آنها دست به خودکشی بزنند.

بر اساس آنچه که بیان کردید، پرستاران مطالباتی مشخص اما با گستره وسیعی را دنبال می‌کنند. عدم توجه و رسیدگی به این مطالبات چه نتایج منفی اجتماعی و بهداشتی برای جامعه به بار خواهد آورد؟

متأسفانه عدم توجه دولت به این مطالبات تأثیرات بسیار منفی برای عموم جامعه به دنبال خواهد داشت. علاوه بر اینکه خود پرستاران به‌لحاظ شغلی، روانی و اقتصادی آسیب‌های متعددی می‌بینند، بدنه بهداشت و درمان کشور هم تضعیف می‌شود و افراد کمتری به این شغل روی آورده و افراد بیشتری از این شغل خارج خواهند شد. آمارها نشان می‌دهند که شمار قابل توجهی از کسانی که دارای مدرک تحصیلی در پرستاری هستند در این رشته کار نمی‌کنند یا اینکه دچار فرسودگی شده‌اند و بازدهی کاری ندارند.

از سوی دیگر، اگر قرار باشد که اعتصابات و اعتراضات پرستاران ادامه پیدا کند به این معناست که فشار بر بیماران و سایر بخش‌های کادر درمان، افزوده خواهد شد و سلامت عمومی جامعه به خطر خواهد افتاد. این موضوع، یک بحث صرفاً عاطفی و احساسی نیست. تجربه نشان داده، زمانی که یک کشور به هر دلیلی دچار بحران‌های مربوط به حوزه سلامت شود، این کادر درمان و پرستاران هستند که توانایی مدیریت آن بحران را دارند. زمانی که انگیزه‌های شغلی پرستاران تضعیف شود، طبعاً کارایی آنها هم در حوزه شغلی‌شان

بسیار کاهش خواهد یافت. به این ترتیب است که جذب بازارهای خارجی می‌شوند. این بازار مخصوصاً در کشورهای اروپایی برای پرستاران بسیار مقرون به‌صرفه‌تر و اصولی‌تر است. نظام بهداشت و سلامت ایران در کل ورشکسته و نابود شده است. برخلاف ادعای اخیر وزیر جدید بهداشت و درمان مبنی بر اینکه وضعیت بهداشت و درمان در کشور در سطح جهان و منطقه از نظر سیستم پزشکی و بهداشت پیشرفته و در سطوح بالایی است، باید گفت متدسفانه وضعیت در این حوزه بسیار نابسامان است. آمارهایی که از سوی دولت اعلام می‌شود دروغ است و صحت ندارد. به‌علاوه وضعیت حاکم اقتصادی، به‌نحوی حاصل وضعیت سیاسی است. به این معنا که سیستم تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی کشور، بخشی از فشارها را به سمت سیستم بهداشت و درمان روانه کرده است. کمبود امکانات و تجهیزات پزشکی و بیمارستانی و دارویی، همگی مجموعه بهداشت و درمان را

به نظر من دولت، امکان استخدام بیشتر را ندارد و حتی مقامات دولتی در وعده‌هایی هم که به اعتراضات جاری پرستاران دادند، اعلام کردند برای پرداخت معوقات پرستاران قصد دارند از صندوق توسعه ملی پول برداشت کنند. به عبارت دیگر، دولت توان مالی برای استخدام‌های اصولی پرستاران همراه با تضمین امنیت شغلی آنها را ندارد. در نتیجه ترجیح دولت این است که قراردادهای پرستاران همچنان به‌صورت موقت، شرکتی و بی‌ثبات باشد تا بتواند پرداخت این بار مالی را مدام به تأخیر انداخته یا به‌نوعی نیروی کار را ارزان‌تر کنند.

به مجموعه‌ای فشل تبدیل کرده است. طبعاً وقتی نیروی انسانی هم در این سیستم تأمین نباشد، همه این موارد و عوامل تشدید خواهد شد.

به این موضوع اشاره کردید که پرستاران فاقد امنیت شغلی بوده و است.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
 دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
 سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
 سردبیر این شماره: مریم نفوری
 تماس با مجله: mail@iranhr.net